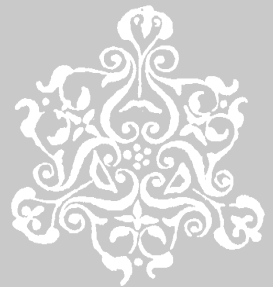


فطرت، محبت و تربیت

تربیت فطری و اسلامی در گفت و گو با
حجت الاسلام و المسلمین
دکتر محی الدین محمدیان
رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



به بیان امام خمینی (ره)
در انسان همه فطرتها
جمع است



● تربیت چیست و چرا اسلام به آن اهتمام دارد؟

○ تربیت و مقوله اساسی پرورش انسان، از مباحثی است که عمده توجه صاحب نظران را در حوزه‌ها و زمان‌های گوناگون به خود معطوف کرده است.

برای بشر امروز شاید این واژه چالشی ترین و مهم ترین واژه باشد. در حوزه مباحث دینی هم تربیت از مهم ترین مباحث و از دغدغه‌های اصلی و البته مقدس به شمار می‌رود. اساساً یکی از اهداف بعثت انبیا و اولیای الهی تربیت انسان بوده است. در قرآن آمده است که آرزوی بزرگی از جانب متقین است که از خداوند درخواست و طلب می‌کنند تا به آن‌ها فرزندان شایسته‌ای عنایت کند و آن‌ها را در تربیت فرزندان مدد کند تا فرزندان آنان بتوانند برای پرهیزگاران پیشوا باشند.

قرآن کریم وقتی از رسالت انبیا سخن می‌گوید، می‌فرماید: «ما پیامبران به ویژه پیامبر اسلام را برگزیدیم تا برای مردم آیات الهی را تلاوت کنند، نفوس آن‌ها را تزکیه کنند و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزند و به جای ضلالت آشکاری که در آن زندگی می‌کردند، تمدن پاکیزه و جدیدی را جای‌گزین کنند.»

سؤال قابل توجه این است که «تربیت چیست؟» وقتی می‌گوییم انبیا آمده‌اند انسان را تربیت کنند یا این که پدران ما عهده‌دار تربیت فرزندان‌شان هستند، پس نظام تعلیم و تربیت که مربیان و معلمان در آن انجام وظیفه می‌کنند و می‌خواهند انسان را تربیت کنند، چه باید بکنند؟

در نگاه اسلامی، انسان سرشت و فطرتی خدادادی دارد که فجور و تقوی او در این سرشت قرار داده شده است. خداوند متعال به انسان الهام کرده است که چگونه

به تصریح آیات قرآن کریم و احادیث، تربیت الهی و فطری در نهاد انسان وجود دارد. تربیت اسلامی، اما جریانی است که در آن عوامل چندی حضور دارند. از این دیدگاه خود تربیت، مربی و آن که تحت این تربیت قرار می‌گیرد - یعنی انسان - مهم است و نیاز به بررسی و شناخت دارد. بنابراین و برای روشن شدن برخی نکات، به گفت و گویی که در این زمینه با دکتر محمدیان، ریاست محترم سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی انجام شده است، توجه فرمایید.

بتواند تقوا را در خود تربیت کند و فجور را از وجود خود بزاید. این کار فقط بر اثر تربیت اتفاق می‌افتد. انسان‌ها به لحاظ این الهام باطنی، شاید بتوانند مسیر سعادت‌مندی خود را بیابند یا راه گریز از فجور را نیز بشناسند، اما یقیناً در زندگی دنیایی با موانعی مواجه می‌شوند که رشد آن‌ها را محدود یا دچار مشکل می‌کند.

از طرف دیگر، برای تقویت یا رشد زمینه‌های تقوا، در وجود آن‌ها به روش‌ها، مدل‌ها و الگوها هم نیاز دارند. خدای متعال از سر لطف، در درجه اول انبیا را برای این کار مأمور کرده است. در کنار این الهام باطنی که در تعبیر امام کاظم (ع) به عنوان حجت باطنی (عقل) از آن یاد شده، حجت ظاهری یعنی انبیا هم مأموریت دارند، کمک کنند. اجمالاً باید عرض کنم، تربیت یعنی زمینه‌سازی رشد و شکوفایی استعدادها باطنی انسان که من از آن به «فطرت الهی» تعبیر می‌کنم. وقتی مربی می‌خواهد انسانی را تربیت کند، باید موانع را برطرف کند و زمینه‌ها را فراهم و مساعد کند تا انسان بتواند استعدادها باطنی (فطرت الهی) خود را برای دست یافتن به مرتبه‌ای از حیات طیبه (تقرب به خدا) شکوفا کند. یعنی انسانی باشد که با فطرت توحیدی زاده شده است و با معرفت توحیدی هم به سویی او، تعالی و ارتقا پیدا کند. البته این رشد و شکوفایی می‌تواند رشد گل‌خانه‌ای باشد یا نوعی رشد و شکوفایی که انسان در آن فعال است.

● از نگاه اسلام نقش و جایگاه مربی در جریان تربیت چگونه است؟

○ در اندیشه و آموزه‌های تربیتی اسلامی، توصیه شده است که مربی، نقش فعال مربی را هم در نظر بگیرد. یعنی مربیان، متریان خود را تنها طرفی ندانند که آن‌ها از معلومات پر کنند یا با عصا آن‌ها را راه ببرند، بلکه آن‌ها را راه می‌اندازند تا با اتکا به خودشان، راه را ادامه دهند.

تربیت اسلامی، مربی را نسبت به موقعیت خودش آشنا و به او کمک می‌کند با شناختن موقعیت خود، موقعیت مطلوب‌تر را هم شناسایی کند؛ به تعبیری خود را از وضعیت آخر به وضعیت مطلوب منتقل کند. این انتقال به وضعیت مطلوب، نیازمند راه و روش‌هایی است که در آموزه‌های دینی به آن‌ها توجه شده است. در این جا بحث «خودمدیریتی» و «خودراهبری» مطرح می‌شود.

برخی فرزندان‌شان یا یک نسل را طوری تربیت می‌کنند که آن چنان که خواست آن‌هاست، ایفای نقش کنند. اما اگر این دسته از متریان در شرایط جدیدی قرار گیرند، نمی‌توانند واقعیت یا موقعیت آخر را شناسایی کنند و دچار مشکل می‌شوند. پس تربیت یعنی رشد و شکوفایی فطرت انسانی بر اساس مدل و الگوی دینی برای دست‌یابی به خود راهبری که از موقعیتی به موقعیت برتر و متعالی تغییر می‌کند.

● متحول کردن انسان‌ها شاید اساسی‌ترین نکته‌ای است که در باب تربیت باید به آن توجه کرد. اسلام می‌خواهد چه انسانی را تربیت کند؟

○ یقیناً بحث تربیت، انسان است و تربیت روی انسان محقق می‌شود. نگاه ما به انسان می‌تواند موضوع و جهت تربیت را دگرگون کند. زمانی تعریف از انسان، موجودی است دو پا، مستوی‌القامه که راه می‌رود. گاهی انسان از حیث ارزش افزوده‌ای که روی مواد و منابع ایجاد می‌کند، تعریف می‌شود یا از حیث منطقی انسان را حیوان ناطق تعریف می‌کنند. هر کدام از این‌ها وجه ممیزی را برای انسان پیش‌بینی و به آن پیشنهاد می‌کنند که رشد و شکوفایی او را طلب می‌کند. اما آیا انسان اسلام هم یک جمله‌ای است که ما انسان را با یک جمله تربیت کنیم؟

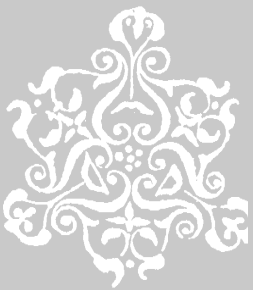
خدا رحمت کند استاد ما آقای **جعفری** را. گاهی شوخی می‌کردند و می‌گفتند بعضی‌ها، انسان را نوعی تربیت می‌کنند که می‌شود در یک قوطی کبریت جایش داد. در حالی که در نگاه دینی، انسان فشرده و در هم پیچیده یک جهان بزرگ است. تعبیر **امام علی (ع)** این است. تو گمان می‌کنی همین جسم هستی که ابعادی از حجم را داری؟ نه! یک عالم در تو پیچیده است. به بیان **امام خمینی (ره)** «در انسان همه فطرت‌ها جمع است.»

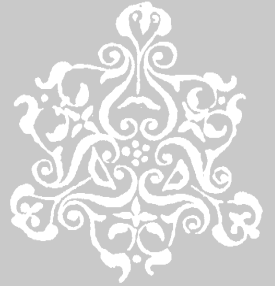
شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) تعبیری دارد که می‌گوید: انسان قابل تعریف نیست. چرا؟ چون تعریف محدود به حد است. چرا انسان قابل تعریف نیست؟ چون در «شدن» مکرر است. هر لحظه چیز دیگری می‌شود (هر آن بت عیار به رنگ دگر آید). آیا می‌توان از این انسان عکس و تصویری برداشت و گفت انسان همین است؟ انسان جانشین خداست و حیوان نیست که با حیوانات دیگر سنجیده و مقایسه شود و نسخه «حیوان ناطق» به میان آید. انسان خلق شده است تا مسجود ملائک باشد. حیوان مسجود ملائک نیست.

دومین نکته‌ای که در آیات قرآن درباره ویژگی انسان مطرح است، ظرفیت بالای علمی اوست. انسان همه اسمای الهی را می‌تواند یاد بگیرد و حتی می‌تواند دلایل آن‌ها را هم بیان کند. در سوره بقره آمده است که وقتی اسما بر ملائک عرضه می‌شوند و سپس از آن‌ها خواسته می‌شود دلالت‌های اسما را بیان کنند، می‌گویند: خدایا ما جز آن چه به ما آموختی، چیز دیگری بلد نیستیم. اما **آدم (ع)** به ملائکه خبر می‌دهد که آن اسما چه هستند و بر چه چیزی دلالت می‌کنند. آن‌جا خداوند می‌فرماید: «دیدید من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید؟!»

ویژگی سوم انسان کرامت ذاتی اوست. خداوند متعال انسان را کریم خلق کرده و از کرامت خودش بر او ارزانی کرده است.

در اندیشه و آموزه‌های تربیتی اسلامی، توصیه شده است که مربی، نقش فعال مربی را هم در نظر بگیرد





در نگاه دینی، انسان فشرده و در هم پیچیده یک جهان بزرگ است. تعبیر امام علی(ع) این است: تو گمان می کنی همین جسم هستی که ابعادی از حجم را داری؟ نه! یک عالم در تو پیچیده است

نکته دیگر نفخه الهی است که در انسان اتفاق افتاده است. در انسان روح الهی دمیده شده است. همه آفرینش مخلوق خداوند متعال هستند، اما انسان در خلقت خود یک ویژگی دارد که دیگر مخلوقات ندارند! «فَخُتُّ فِيهِ مِنْ رُوحِي». چون این نفخه رحمانی در او اتفاق افتاده است، مسجود و مخدوم فرشته‌ها می شود.

نکته دیگر این که انسان در عالم پیش از دنیا (ذر) نسبت به ربوبیت حق تعالی اقرار کرده است. حالا اگر مجموعه این ویژگی‌ها و از طرفی برخی خصوصیات انسان را به لحاظ فضایل و رذایل اخلاقی در کنار هم بگذارید، می شود انسان. حالا ما تربیت کدام انسان را می خواهیم؟ این انسان را با این ویژگی‌ها! تا به مرتبه‌ای برسد که بتواند فضایل اخلاقی را در وجود خود شکوفا کند و از موانع اخلاقی خود دور شود. اگر می خواهد آسمانی شود، از جاذبه‌های زمینی کنار بگیرد.

● در این رهگذر جایگاه و کارکرد مربی چگونه است؟

○ این جا نقش و کارکرد مربی و تربیت این است که اولاً بتواند این شکوفایی را سرعت ببخشد. مسیر این شکوفایی را به طور صحیح ترسیم کند و شکوفایی با دقت اتفاق بیفتد. برای مثال هسته یک میوه مانند سیب را در نظر بگیرید. هسته سیب قابلیت میوه شدن را دارد. ممکن است هسته در زمینی بیفتد و محیط هم به گونه‌ای باشد که زیر خاک قرار گیرد، آب و آفتاب به آن برسد و به درخت تبدیل شود، اما آیا روینده‌ای که به صورت خودرو می‌روید، به همان سرعت و صحتی می‌روید که باغبان از آن مراقبت می‌کند؟ بله ما درختان خودرویی را داریم، اما شاخه‌اش کج، میوه‌اش تلخ و آفت‌زده می‌شود. نقش باغبان این است که زمینه را برای رویدن، فراهم و مساعد و از آسیب و آفت زدن مراقبت کند. تربیت نیز همین است. در انسان این قوه وجود دارد که رشد پیدا کند و به فعلیت برسد، اما نه به آن صحت و دقتی که اگر تحت نظر مربی باشد، می‌شود.

فلذا مربیان نقشی دارند و اولین مربیان انسان نیز والدین او هستند. در روایت نبوی آمده است: «پدر و مادر هستند که انسان را با بر فطرت توحیدی‌اش مراقبت می‌کنند، یا او را از این فطرت منحرف می‌کنند.» به همین جهت است که در اسلام، قرآن و روایات اسلامی تأکید بسیار جدی به والدین شده که از فرزندان‌شان مراقبت کنند و حتی از وظایف جدی آن‌ها همین است. امام علی(ع) می‌فرمایند، چند چیز بر پدر به عنوان رییس و مسئول مستقیم تربیت فرزند، واجب است: او را تربیت نیکو کند، نام نیک بر او بگذارد، به او قرآن بیاموزد و وسایل ازدواج او را فراهم کند.

● منظور از مراقبت چیست؟

○ برای این که بچه‌ها خوب تربیت شوند، مراقبت‌های شدید در خانواده‌ها باید انجام شود. من این جمله را عرض کنم که درست است در تربیت فرزندان عوامل متعددی دخالت دارند، اما در عین حال باید بدانیم که با آرزو کردن هم، بچه‌ها تربیت نمی‌شوند. فرزندان ما آن گونه که ما اراده و آرزو می‌کنیم، به بار نمی‌آیند. بچه‌های ما آن گونه که ما زندگی می‌کنیم، شکل می‌گیرند و تربیت می‌شوند. این نشان دهنده نقش الگویی پدر و مادر است.

امام علی(ع) تربیت یافته دامن پیامبر(ص) است. شاید بتوان این ادعا را کرد که پیامبر(ص) فرزند ذکوری نداشت که نحوه تربیت ایشان را در فرزند ذکور ببینیم. حضرت **فاطمه زهرا(س)** هست که نمونه و اسوه همه زنان عالم است و برای بشریت الگوست. از پسران پیامبر کسی نمانده است که ما تربیت پیامبر را در او منعکس یافته ببینیم. اما علی بن ابیطالب(ع) از کودکی در دامن پیامبر(ص) تربیت شده است و به نوعی تربیت پیامبر در وجود حضرت علی(ع) متجلی است. پس علی(ع) با آن عظمت‌ها که دارد، محصول دو چیز است: اول سرمایه‌های فطری خدادادی که در وجود آن عزیز منطوی بود و دوم بالندگی و شکوفایی آن بذرها عالی تا متعالی‌ترین درجات ممکن که به دست باکفایت رسول خدا محقق شد.

● چگونگی این تربیت را به اختصار بیان بفرمایید.

○ فارغ از جایگاه عصمت و ولایت امام علی(ع)، اجازه دهید از این منظر نگاه کنیم. وقتی پیامبر(ص) فرزندان ابوطالب را میان برادران و عموها تقسیم می‌کند تا آن‌ها را سرپرستی کنند، علی(ع) را برای خود انتخاب می‌کند. شاید این بهانه و فرصتی برای پیامبر بوده که اسوه انسانیت و جانشین خود را که نمونه کامل انسان و دارای بالاترین ظرفیت بوده است، خود تربیت کند.

امیرالمؤمنین(ع) خودشان می‌فرماید، پیامبر مرا این گونه تربیت کرد: از غذایی که خودش می‌خورد به من می‌داد، مرا به سینه خود می‌چسباند و من بوی وجود او را حس می‌کردم، مرا در بستر خود می‌خواباند، من از او سؤال می‌پریدم و اگر من سکوت می‌کردم، پیامبر مرا به نطق وامی‌داشت. این یعنی امام علی(ع) را تربیت می‌کرد. امام علی(ع) می‌فرمایند: «من پایم را جای پای پیامبر می‌گذاشتم. من همه جادنبال پیامبر می‌رفتم.»

این نقش الگو و اسوه است. در تربیت اجتماعی نیز همین است. لذا می‌بینیم وقتی قرآن می‌خواهد جامعه ایمانی را تربیت کند، موضوع اسوه بودن دو شخصیت متعال الهی را ارائه می‌دهد. یکی حضرت **ابراهیم(ع)** و همراهان ایشان و دیگری پیامبر(ص) که می‌فرماید، پیامبر اسوه حسنه برای شماست. یعنی می‌توانید در همه جنبه‌های حیات و زندگی تان مانند او باشید.

امروز بسیاری از کاستی‌هایی که داریم، شاید در عرصهٔ ارائهٔ الگو و تعارض الگوها باشد. ما می‌توانیم در جریان رسانه‌های خود ببینیم که الگوسازی‌مان چگونه است. چه کسانی را برای نسل جوانمان به عنوان الگو معرفی می‌کنیم؟ حتی در حوزهٔ اقتصاد به چه کسی موفق می‌گوییم؟ کسی که به نظام سرمایه‌داری و تحصیل ثروت از هر طریق معتقد است یا کسی که در نظام معیشتی خود حلال و حرام را رعایت می‌کند؟ در عرصهٔ سیاست چه کسانی را الگو معرفی کنیم؟!

این‌ها مباحثی جدی هستند. اگر بخواهیم براساس نظریهٔ اسلامی تعلیم و تربیت به یکی از نقاط قابل توجه بپردازیم، بحث الگوها و اسوه‌هاست که در این صورت تربیت می‌تواند راحت‌تر و سالم‌تر اتفاق بیفتد. یعنی یکی از موانع تربیت، نداشتن الگو یا الگوهای متعارض و ناشایست است. با ارائهٔ الگو می‌توانیم جهت و مسیر را برای تربیت اسلامی فراهم کنیم.

● گاهی مطرح می‌شود که نظریه‌های تربیتی اسلام برای دورهٔ ما و دورهٔ مدرن کاملاً و به تنهایی جوابگو نیست!

واقعیست امر این است که ما نسبت به معرفی الگوهای تربیتی اسلام و نیز نظریهٔ اسلامی تعلیم و تربیت، هم‌قصور کردیم و هم تقصیر. باید عذر تقصیر به پیشگاه اسلام و قرآن ببریم که مبانی تربیتی خودمان را در نظام رسمی تعلیم و تربیت از قرآن نگرفتیم. شاید این جمله از من یک اعتراف علیه خود باشد؛ به عنوان کسی که دو دهه و نیم در آموزش و پرورش کشور خدمت می‌کند. اما احساسم این است که یکی از مهجوریت‌های قرآن در نظام تعلیم و تربیت مانده‌تنها آگاهی کامل نداشتن فارغ‌التحصیلان ما از مفاهیم و معانی قرآنی است، بلکه مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، درسی و تربیتی ما از قرآن و اسلام گرفته نشده است. ما الان از نظریه‌های دیگران بیشتر از نظریه‌های پیشوایان دین یا آموزه‌های قرآنی استفاده می‌کنیم. اگر بپرسید مکتب روان‌شناسی رفتارگرا چیست، همه نظرات هیوم، جان لاک، پیازه و دورکیم را می‌شناسند اما در عرصهٔ تعلیم و تربیت رسمی ما، یک برنامهٔ درسی که براساس نظریهٔ تربیتی اسلام مدون شده باشد، وجود ندارد.

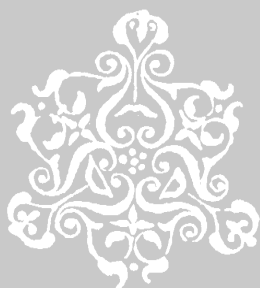
یکی از منابع دقیق و اصیل نظریهٔ اسلامی تربیت و حتی روش‌های تربیتی، نامهٔ ۳۱ نهج‌البلاغه است که امام علی (ع) خطاب به امام حسن (ع) نوشته‌اند. در این نامه، هم مبانی و اصول تربیت را بیان کرده‌اند و هم اسلوب‌ها و روش‌ها را. حتی حوزه‌های یادگیری در این نامه بیان شده است که چه چیزهایی لازم است به فرزندانمان بیاموزیم. حوزهٔ ادبیات، تاریخ، حکمت، جامعه‌شناسی و اعتقادات، همگی در این جا هستند.

این را نه به عنوان کسی که در کسوت روحانی هستیم، بلکه در کسوت کسی که حداقل ۲۵ سال از عمرم را در حوزهٔ تعلیم و تربیت گذرانده‌ام، می‌گویم که اسلام در حوزهٔ تعلیم و تربیت نظریه دارد، سبک دارد و این نظریه باید در حوزهٔ تعلیم و تربیت ما عملی شود، در حالی که ما بعد از انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش خودمان را رنگ اسلامی زده‌ایم، اما هنوز جوهر اسلامی در آن نفوذ نکرده است. به همین جهت است که در آموزش و پرورش نیازمند نوعی تحول بنیادین مبتنی بر نظریهٔ اسلامی تعلیم و تربیت و فرهنگ ایرانی هستیم. البته تعلیم و تربیت تنها منحصر به تعلیم و تربیت رسمی آموزش و پرورش نیست. تعلیم و تربیت رسانه‌ای و خانوادگی ما نیز باید بر همین اساس شکل بگیرد.



● تربیت از نظر اسلام از چه دوره و زمانی آغاز می‌شود؟

یکی از مواردی که امام عصر (ع) نیز بر آن تأکید دارند، شتاب و شروع تربیت از آغاز کودکی است. البته تربیت در اسلام از قبل ولادت اتفاق می‌افتد. توصیه‌ای در آموزه‌های دینی داریم که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «در کنار مادران باردار قرآن بخوانید». امروزه نیز صاحب‌نظران می‌گویند انسان در دورهٔ جنینی نیز می‌آموزد. حضرت امیر (ع) نیز می‌فرمایند دورهٔ کودکی، دورهٔ آموزش است. فلذا هفت سال نخست را دورهٔ سیادت فرزندان نام می‌نهد که پدر و مادر باید پا به پای فرزند راه بروند. هفت سال بعد را سن تعلیم می‌داند. یعنی این که فرزند باید تحت تعلیم قرار گیرد.



اسلام در حوزهٔ تعلیم و تربیت نظریه دارد، سبک دارد و این نظریه باید در حوزهٔ تعلیم و تربیت ما عملی شود در حالی که ما بعد از انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش خودمان را رنگ اسلامی زده‌ایم، اما هنوز جوهر اسلامی در آن نفوذ نکرده است